

اطلاعات، کتابخانه و توسعه ملی

دکتر محمدرضا داورپناه^۱

چکیده

آنچه در تحلیل پدیده‌های اجتماعی بسیار مهم است ایجاد یک ساختار ارتباطی میان مقولات اساسی جامعه است. چنین ارتباطی را می‌توان رمز اساسی شناخت اجتماعی و نیروی تغییر آن قلمداد کرد. توسعه، اعم از فردی، گروهی و ملی فرایندی پیچیده و چند بعدی است که شامل تغییرات اساسی در جامعه، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، مدیریت و حتی جنبه‌های محیطی یک ملت، در سطوح خرد و کلان است. در این مقاله ابتدا مفهوم توسعه، سپس نقش اطلاعات در ابعاد مختلف توسعه سیاسی، فرهنگی، انسانی، اجتماعی، اقتصادی، صنعتی، کشاورزی و روستایی، و مدیریت تبیین شده است.

مقدمه

توسعه فرایند مدوامی است که در آن تعارض‌هایی در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بین گروه‌هایی که از این فرایند سود می‌برند و گروه‌هایی که از آن متضرر می‌شوند وجود دارد. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، توسعه با رشد اقتصادی و مفهوم پیشرفت مترداف بود. رشد و توسعه در نظر بسیاری از کشورهای در حال توسعه به معنای رسیدن در عرض چند دهه به مرحله‌ای بود که کشورهای صنعتی برای دستیابی به آن بیش از یک قرن صرف کرده بودند. امروزه مشخص شده است که مشکلات توسعه جدی‌تر و پیچیده‌تر از آن است که پیشتر تصور می‌رفت (بهشتی، ۱۳۷۶). در فرایند تاریخی توسعه، انسان خط و کتابت را اختراع کرد و بدین سان موجبات توسعه علمی و فرهنگی را فراهم آورد. کتابخانه هم حاصل این توسعه و هم عامل توسعه است. صنعت چاپ، انقلاب صنعتی، جنگ‌های جهانی، دانشگاهی شدن آموزش موجبات اشاعه دانش و اطلاعات را فراهم آورد. اطلاعات، تولیدی انسانی است که در قالب حقایق، ارقام، تصاویر و کلام پردازش شده خوب یا بد جلوه گر می‌شود. اطلاعات مبنای توسعه دانش است. گیرندگان اطلاعات به منظور ایجاد دانش کارا برای استفاده بعدی آن را پردازش، بازسازی، باز تولید یا تحلیل می‌کنند. دانش شکل پردازش شده عالی اطلاعات است. دانش منبعی است که قابلیت تحکیم و یکپارچه‌سازی نتایج ارزشمند تمدن و تفکر انسانی را دارد. در واقع فهمی کلی از طبیعت و ویژگی‌های منطقه برای ارتقاء سطح کیفیت زندگی جامعه انسانی است.

مفهوم توسعه

دیدگاه‌های مختلفی در باب توسعه وجود دارد. بعد از جنگ جهانی دوم، توسعه به عنوان چارچوب مفهومی برای

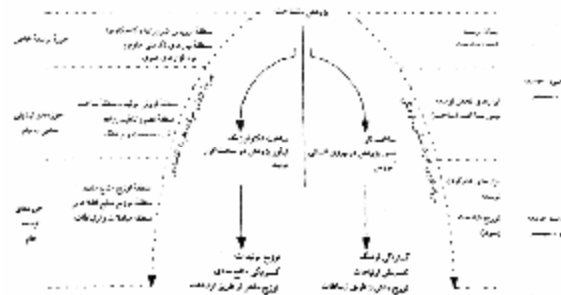
۱- استادیار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی مشهد

تغییرات فردی، نهادی، ملی و بین‌المللی برای «پیشرفت» تأکید شد. در دهه ۱۹۴۰ و خصوصاً ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در غرب، واژه «توسعه» به معنای رشد، تجددگرایی، تغییر، دموکراسی، بهره‌وری، نهادینه کردن و تغییرات تاریخی اجتماعی انگاشته می‌شد. میرادل و گویت به توسعه عنوان حرکتی از پایین به بالا در نظام نگاه می‌کنند؛ در چنین شرایطی مردم دست به دست هم می‌دهند تا جامعه به بهبود اقتصادی، عدالت اجتماعی، دموکراسی و برابری دست یابد. از نظر وی توسعه باید به وسیله ارزش‌های جامعه برای رفاه و آسایش و بهداشت که یک ضرورت است، سنجیده شود. بنابراین توسعه به مفهوم رشد و بلوغ و بالا بردن کیفیت جوامع انسانی است (در: شاه شجاعی، ۱۳۷۸).

حری (۱۳۷۲) توسعه را معمولاً به قابلیت و توان به کارگیری شیوه‌های مطلوب و فناوری مناسب به منظور افزایش ظرفیت و کیفیت تولید (تولید به معنای عام آن) تعبیر می‌کند.

قانع بصیری (۱۳۷۳، ۵۵۳) بر مبنای ابزارهای بنیادی ایجاد توسعه به تبیین مفهوم توسعه پرداخته است. از نظر او پژوهش بنیان توسعه و تولید و آموزش ابزارهای تحقق توسعه و توزیع و اطلاعات ابزارهای عام کردن توسعه است. وی مجموعه سیستم پژوهشی و تولیدی-آموزشی را محتوای جامعه و مجموعه سیستم مبادلاتی ارتباطی (توزیع و ارتباط) را دامنه جامعه می‌نامد. میان محتوی و دامنه یک جامعه تناسب خاصی وجود دارد، یعنی هر چه محتوی بزرگتر و دانش بیشتری در تولید و نیروهای انسانی متبلور شود، سیستم می‌تواند برای خود دامنه بزرگتری نیز تدارک کند. جریان شناسایی یک جامعه از جامعه دیگر از طریق ارتباط دامنه‌ها صورت می‌گیرد. به طوری که جریان با دامنه وسیع‌تر می‌تواند جریان با دامنه محدودتر را کنترل کرده و جهت آن را تنظیم کند. بدین ترتیب، بسته به شرایط، محتوای سیستم‌ها و جریانهای تولیدی-آموزشی در درون آن را می‌توان، موجب شتاب توسعه و یا توقف آن دانست. ریشه محرومیت نیز حاصل برخورد نامتجانس از این نوع است.

در یک سیستم هر چه جریان پژوهش ضعیف‌تر عمل کند، قدرت تعیین‌کننده از طریق پژوهش و تأثیر آن بر توزیع و سنت‌ها بیشتر عمل می‌کند. توسعه را بر اساس شکل شماره ۱ (برگرفته از قانع بصیری، ۱۳۷۳) می‌توان افزایش بار اطلاعاتی جامعه از طریق پژوهش و تبلور آن در دو جریان اقتصادی (تولید) و سیاسی-فرهنگی (آموزش) برای گسترش دامنه نفوذ جامعه دانست. در هر دوره توسعه با یک کوانتوم اطلاعات روبرویم به طوری که جامعه باید بتواند حداقل اطلاعات لازم را (یک کوانتوم) در مقولات سخت‌افزار و نیروهای انسانی متبلور سازد. با این تعریف توسعه بدون پژوهش، تولید و آموزش به دست نخواهد آمد.



شکل شماره ۱

نقش اطلاعات در ابعاد مختلف توسعه

توسعه ملی مستلزم توسعه یکپارچه، هماهنگ و متعادل در همه جنبه‌های زندگی یک ملت است. استراتژی توسعه نیازمند استفاده بهینه از انسان، مواد، ماشین، تفکرات، سرمایه، روشها، بازار و ارتباطات و اطلاعات است. معیار توسعه یافتگی و توسعه‌نیافتگی چیزی جز قابلیت تولید و استفاده از اطلاعات نیست. زمانی که جامعه برای پیشبرد اهداف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و مانند آن برنامه‌ریزی می‌کند، یعنی تصمیم به انجام حرکتی همه‌جانبه دارد نمی‌تواند بی‌نیاز از اطلاعات جامع برای هر یک از مراحل کار خود باشد. منابع فکری یک ملت توانمندی فکری و اطلاعاتی آن

است. کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی منابع فکری را از طریق توزیع منابع ردیف اول و یا دسترس‌پذیر ساختن آنها از طریق منابع ردیف دوم امکان‌پذیر می‌سازند. نقش منابع فکری و اطلاعاتی در ابعاد مختلف توسعه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کشاورزی، صنعتی، مدیریتی و... را می‌توان به صورت زیر تبیین کرد:

توسعه سیاسی

سیاست از دیدگاه سبیرنتیکی عبارت است از نیرویی که می‌تواند از طریق زور و تحکم دست به ایجاد نظم زند. عوامل ایجادکننده سیاست، نیروهای فیزیکی هستند و هدفشان ایجاد نظم در درون جامعه و سیستم است. سیاست تنها زمانی مشروعیت پیدا می‌کند که سیستم پژوهش، تولید و آموزش توان حرکت داشته بدین ترتیب جامعه ناچار می‌شود برای بقای محتوی کمی اطلاعاتی خود تن به نیروی فیزیکی دهد (فانع بصیری، ۱۳۷۳، ۳۰۷).

تمرکز قدرت، نفوذ سیاسی و تحولات اجتماعی ناشی از اطلاعات دلیل آشکاری بر مزایای ایجاد قطب اطلاعاتی است که سبب ایجاد تغییرات بنیادین سیاسی از طریق پوشش خبری می‌باشد. در جامعه سنتی، ساختار قدرت را می‌توان از طریق انتقال دانش و آگاهی دادن به مردم، تغییر داد. توسعه سیاسی به نظر می‌رسد شامل افزایش عقلانیت، آگاهی، علمی‌نگری، مشارکت دمکراتیک و عادلانه در امور اجتماعی باشد. برای اینکه دمکراسی تحقق یابد سه عامل: شهروند مطلع، حقوق مساوی و عادلانه برای مشارکت در امور دولتی و مسئولیت‌پذیری مورد نیاز است. کتابخانه‌ها در طول تاریخ نقشی فعالانه در افزایش آگاهی مردم ایفا کرده‌اند. هنوز هم کتابخانه‌ها پاسخگوی پرسشهای اجتماعی مختلف هستند. کتابخانه‌های عمومی اساساً بر مبنای اصول دمکراتیک حق شهروندی شکل گرفته‌اند و خدمات خود را به همه شهروندان عرضه می‌کنند. حقوق بشر و دمکراسی عاملی برای توسعه انسانی است. این وضعیت در جامعه‌ای حکم‌فرما می‌شود که دسترسی به اطلاعات در آن آسان باشد.

توسعه فرهنگی

فرهنگ را می‌توان تبلور شناخت و دانش در نیروهای انسانی دانست. پس توسعه فرهنگی کاربرد بیشتر دانش حاصل از پژوهش از طریق آموزش و تولید در یک جامعه می‌باشد. هر چه این عمل بیشتر انجام شود، نظم جامعه از نظم معطوف به تحکم (سیاست) به نظم معطوف به اقتناع (فرهنگ) تبدیل خواهد شد (فانع بصیری، ۱۳۷۳، ۳۰۶).

ابعاد فرهنگی توسعه آنچنان گسترده است که به جز جنبه‌های بوم‌شناختی شامل بسیاری از جنبه‌های زندگی انسان است. دشمن واقعی توسعه خود مردم و فرهنگ آنهاست. سرمایه‌گذاری در منابع انسانی بسیار مهمتر از منابع زیر زمینی و ثروت است. اساساً نظریه پردازان کشورهای در حال توسعه معتقدند که برای وقوع تغییر واقعی، انقلاب در افکار و ارزش‌ها باید همراه دگردیسی و تغییر شکل ساختارها صورت گیرد. برنامه‌ریزان، صاحب‌نظران علوم اجتماعی و رهبران سیاسی کشورهای جهان سوم دریافته‌اند که تا وقتی تغییرات عمده اجتماعی در نهادها، نگرش‌ها و ارزش‌های نامناسب و غلط صورت نگیرد مصایب و فلاکت‌های گریبانگیر کشور را نمی‌توان ریشه کن کرد (دوهاوویتمز، ۱۳۷۶). اطلاعات علمی و فنی به همراه شناخت راه‌حلهای اساسی تنها چاره برطرف کردن ضعفهای ملی و فرهنگی است. کتابخانه به عنوان یک مرکز فرهنگی زمینه مناسب برای مطالعات فرهنگی و فضای مناسب و ساختاری پایدار برای شکوفایی، نوآوری و خلاقیت را فراهم می‌آورد.

توسعه انسانی

محققان معتقدند مردم به عنوان محور و عوامل اصلی در فرایند توسعه هستند. توسعه باید به آزادسازی انرژی انسان‌ها و به کارگیری قدرت آنها در جهت اهداف تعیین شده بیانجامد.

معمولاً سه شاخص درآمد سرانه، وضعیت بهداشتی و تغذیه و دسترسی به ظرفیتهای آموزشی برای توسعه انسانی در نظر گرفته شده‌اند. این سه شاخص برای فراهم آوردن شرایط انسانی مناسب برای توسعه ضروری هستند. تعلیم (روزآمد کردن معلومات)، تربیت (بالا بردن شناخت و مهارتهای انسانی) و اطلاعات سه عامل عمده در ایجاد مسؤولیتهای انسانی و افزایش آگاهیهای حرفه‌ای/شغلی است.

وزارتخانه‌هایی نظیر آموزش و پرورش؛ علوم، تحقیقات و فناوری؛ بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ و کار و امور اجتماعی مستقیماً در آموزش نیروی انسانی جامعه به منظور بالا بردن سطح مهارتها و توانمندیها نقش‌مندند. دانشگاه امروز جزء لاینفک روندهای توسعه‌ای است. توسعه پایدار و همه جانبه جز بر مدار دانشگاه و نظام آموزشی و پژوهشی پاسخگو و کارآمد نمی‌چرخد، چون توسعه انسانی و محور اصلی برنامه‌ریزی توسعه متوازن فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی است و سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و تحقیقات و تولید و نوآوری علمی از بالاترین ارزش افزوده برخوردار است. اساساً نهاد آموزش از روندهای توسعه تأثیر می‌پذیرد و بر آنها تأثیر می‌گذارد. آموزش مهارتهای جدید باعث می‌شود که فراگیران به طور روزافزونی به اطلاعات جدید نیاز پیدا کنند. در فرایند آموزش، کتابخانه به عنوان قلب نظام آموزشی تلقی می‌شود. دانشگاه بدون کتابخانه معنا ندارد و اثربخشی کتابخانه‌ها نیز در پیوند با فعالیتهای اهداف سازمانهای وابسته است.

انسان توسعه یافته که زیر بنای جامعه توسعه یافته قلمداد می‌گردد، ذهنی غنی و توسعه یافته دارد، تک‌بعدی نیست و از قدرت تجزیه و تحلیل مناسبی بهره‌مند است. اطلاع‌رسانی پایه ذهن غنی است و در پرتو پیوند اذهان توسعه یافته زمینه تحقق توسعه پایدار فراهم می‌گردد.

توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی با بهبود رفاه اجتماعی مردم از طریق آموزش، خدمات بهداشتی، تسهیلات مسکن و تدوین استانداردهای سطح زندگی در پیوند است. از نظر کورپوز (در: شاه شجاعی، ۱۳۷۸) عدالت و برابری جزء جدایی‌ناپذیر توسعه و رفاه، و آسایش بشری جوهره توسعه هستند. توسعه نوعی تغییر اجتماعی است که در آن عقاید نو در یک نظام اجتماعی معرفی می‌شود تا باعث بالا رفتن درآمد سرانه و سطح زندگی، از طریق روش‌های تولید بیشتر و سازمان اجتماعی شود. آموزش رسمی به تنهایی برای ایجاد تغییرات اجتماعی کافی نیست. برنامه غیر رسمی نظیر نهضت سواد آموزی، آموزش از راه دور، بهداشت عمومی، فقر زدایی، حفظ محیط زیست، رفاه و بهداشت خانواده نیازمند کمک برخی سازمانهاست. کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی همه این برنامه‌ها را حمایت و پشتیبانی می‌کنند. آگاهی عمومی که حاصل اشاعه اطلاعات است دولت را مجبور به تدوین شاخصها و اندازه‌گیریهای منظم آموزش همگانی، سن اشتغال، حفظ محیط زیست و آموزش رایگان می‌کند (kumar, 1996).

اطلاعات حقوق و عملکرد اجتماعی است. هدف آن نیز آگاهی بخشی اجتماعی و ارائه فهم کامل از ابعاد سیاسی، اقتصادی و مشکلات برنامه‌های ملی و بین‌المللی است. تحول اجتماعی حاصل از اطلاعات، مبتنی بر تأثیر آزادی مدون در قانون حاکم بر مبادله اطلاعات است که در آن ایجاد شبکه اطلاعات می‌تواند به تجدید حیات خانواده و جامعه منجر شود. در جوامع کنونی مشخصاً به دو زیر گروه «فقرای اطلاعاتی» و «ثروتمندان اطلاعاتی» بر می‌خوریم. از این رو، زمانی که جریان اطلاعات در جامعه از تحرک بیشتری برخوردار شود آنهایی که از وضعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتری بهره‌مندند، سریع‌تر از قشر ضعیف این اطلاعات را تصاحب می‌کنند. انزوای قشر دارای فقر اطلاعاتی در جامعه الکترونیکی با شکل‌گیری مجدد قشر محکوم و ضعیف در جامعه اطلاعاتی که توسط کارفرمایان استثمار می‌شوند و نادیده گرفتن حقوق این قشر در انعقاد قراردادها بار دیگر به شکل جدیدی بروز می‌کند.

توسعه اقتصادی

اقتصاد از دیدگاه سبیرنتیک عبارت است از تبلور دانش در سخت‌افزار به طوری که بتواند منجر به افزایش انرژی، سرمایه و تمرکز کیفی و کمی آن شود (فانج بصیری، ۱۳۷۳، ۴۳). مدیریت توسعه به دلیل توان کارآفرینی خلاق می‌تواند موجب رشد سطح اطلاعات سیستم از طریق پژوهش و اعتلای اطلاعات در نیروی کار و سخت‌افزار شود، و با این کار، بر سطح عمل سیستم و دانش آن بیافزاید. حرکت اعتلای دانش در سخت‌افزار موجب افزایش قدرت اقتصادی سیستم و حرکت اعتلای دانش در نیروی کار موجب افزایش قدرت سیاسی سیستم می‌شود.

توسعه اقتصادی بدون رشد غیر ممکن است. رشد به معنای افزایش پایدار در تولید کالا و خدمات کشور است. تخمین زده شده که حدود ۶۰ درصد توسعه مربوط به منابع انسانی است. برای بهبود کیفی و کمی تولید، یک سلسله حرکت‌هایی از قبیل: بهینه کردن روش‌ها، شناخت و آگاهی و به کارگیری مواد خام یا پایه، درک درست از فناوری مناسب و نظایر آن صورت می‌گیرد. این درک و شناخت تنها با مطالعه و مقایسه اطلاعات مرتبط با زمینه‌های مورد بررسی حاصل می‌شود. آموزش به عنوان اهرمی برای تولید بیشتر، کیفیت بهتر و کار کمتر عمل می‌کند. اما تفکیک کار از دانش یا عدم توازن میان این دو منتج به دور باطل فقر می‌شود. اقتصاد پویا نیازمند بهره‌گیری از دانش علمی و فنی و اطلاعات روزآمد است. توسعه اقتصادی زمینه‌ساز توسعه اجتماعی، سیاسی و مدیریتی است. پیش‌بینی، برنامه‌ریزی، امکان‌سنجی، هدف‌گذاری، انتخاب استراتژیها، پیوستگی و انتخاب شیوه‌های مناسب ارزشیابی از طریق خدمات اطلاع‌رسانی امکانپذیر است. در راستای تحقق سیاستهای جهانی شدن، آزادسازی، خصوصی‌سازی و حرکت در جهت صنعتی شدن، خدمات اطلاع‌رسانی نقشی کلیدی دارد. در واقع اطلاعات ناقص و خطرناکی از آنها مسأله اصلی نظریه‌های عمده سازمان اقتصادی در سطوح خرد و کلان شده است (kumar, 1996).

توسعه صنعتی

محرک اصلی تحقیقات علمی، تولید است. نتایج تحقیقات علمی برای تولید کالا و توسعه محصولات جدید به کار می‌رود. نوآوری کلید بقای صنعت و رقابت در تولید است. نوآوری از طریق دستیابی به آخرین اطلاعات و انتقال آن به فرایند تولید، امکان‌پذیر است. بنابراین، اطلاعات مهمترین عامل در خلق، نگهداری و توسعه هر صنعتی است. بطوریکه مقدار اطلاعات مصرف شده در یک صنعت یا فن‌آوری نشان‌دهنده سطح تکنولوژیکی و صنعتی یک ملت است.

صنعت وارد مرحله تازه‌ای از تحول خود شده است و می‌رود که جامعه صنعتی جای خود را به جامعه فراصنعتی بدهد. این بدان معنی است که تولید صنعتی بیش از پیش از تولید کالا به تولید اطلاعات گرایش پیدا می‌کند و صنایع اطلاعات اهمیت بیشتری کسب می‌کنند. اساس فعالیت اقتصادی جامعه «فراصنعتی» در حال تغییر و تبدیل از حالت تولید به حالت پرداخت اطلاعات و دانش است. در نتیجه، رشد اقتصادی در کشورها بیشتر از هر حوزه به رشد نظامهای اطلاعاتی وابسته می‌شود. اگر عناصر اصلی تولید صنعتی را سرمایه، ابزار، مواد اولیه و انرژی بدانیم، بتدریج با پیچیده‌تر شدن فراگرد تولید، اطلاعات می‌رود تا در صدر این فهرست قرار گیرد.

توسعه کشاورزی و روستایی

در دنیایی که جمعیت به سرعت رشد می‌کند و منابع طبیعی محدود است، مشکل تهیه غذا، مشغله فکری تمام کسانی است که به نحوی دست اندر کار برنامه‌ریزی برای توسعه ملی، رفاه اجتماعی و تلاش برای رهاسازی میلیونها نفر در سراسر جهان از چنگال گرسنگی اند. تدارک غذایی بهتر و بیشتر برای نیازهای امروز و فردا فقط می‌تواند از طریق ادامه و افزایش کوششها در تحقیقات کشاورزی و کاربرد درست نتایج این تحقیقات توسط کشاورزان و سایر استفاده‌کنندگان نهایی بدست آید. تقویت نظام تحقیقات کشاورزی و کاربرد درست نتایج این تحقیقات توسط

کشاورزان و سایر استفاده‌کنندگان نهایی بدست آید. تقویت نظام تحقیقات کشاورزی مستلزم افزایش ظرفیت تولید، آماده‌سازی و استفاده از اطلاعات است. ارتباط بین مراکز تحقیقاتی و خدمات توسعه و ترویج کشاورزی از اهمیت بسیاری برخوردار است. مراکز اطلاعاتی مهمترین نقش را در ایجاد چنین ارتباطی به عهده خواهند داشت (مهدوی، ۱۳۶۸).

توسعه روستایی به طور مشخص یکی از وجوه مهم فعالیتهای توسعه در سراسر جهان است. توجه به شمار مردمی که در نواحی روستایی زندگی می‌کنند و بویژه در کشورهای در حال توسعه، و وضعیت بسیار مخاطره آمیز زندگی روستائیان در این کشورها، علت این اولویت‌گذاری و اهمیت را روشن می‌سازد. نظامهای اطلاعاتی توسعه روستایی برای سیاستگذاران و مجریانی که با توسعه روستایی سر و کار دارند، یکی از ابزارهای مدیریت به شمار می‌آید. هدف نظامهای اطلاعاتی توسعه روستایی، تأمین اطلاعات بایسته برای مدیران توسعه روستایی به منظور گزینش و اجرای بهتر پروژه‌ها، طرحها و سیاستهای توسعه روستایی است.

توسعه مدیریت

توسعه مدیریت هم جنبه‌های مدیریتی و هم جنبه‌های سازمانی را شامل می‌شود. اولی خلاقیت، بهبود و افزایش قابلیت‌های مدیریتی را در بر می‌گیرد و دومی با تغییرات و توسعه سازمانی در پیوند است. برای مدیریت اثر بخش اطلاعات درون سازمانی و برون سازمانی ضروری است. تصمیم‌گیری در واقع برنامه‌ریزی برای انجام کار است. تصمیمات آگاهانه برون‌دادهای بهتر را به بار می‌آورد. ایجاد یک نظام اداری بزرگ بدون سیستم مؤثر ارتباطی که بتواند اجزاء سیستمهای کوچکتر را مرتبط سازد میسر نخواهد شد. در سیستمهای بزرگ اداری مدیران به اطلاعاتی احتیاج دارند که آنها را برای اتخاذ تصمیمات، برنامه‌ریزی و کنترل سازمانی یاری نماید. بر مبنای این نیاز نظامهای اطلاعاتی مدیریت یا MIS شکل گرفته‌اند. نظام اطلاعاتی مدیریت کنترل و بازسازی اطلاعات را از دنیای محیطی و عملیاتی داخل سازمان بعهده دارد، بطریقی که با سازماندهی و انتخاب داده‌ها اطلاعات لازم را جهت اتخاذ تصمیم، برنامه‌ریزی و کنترل برای مدیران آماده می‌سازد. (مؤمنی، ۱۳۷۲).

نتیجه

تأثیر اطلاعات بر جوامع بقدری شدید بوده که رفتار اجتماعی را به درست یا غلط دستخوش تغییر کرده است. در هر حال، موضوع مهم اطمینان از این است که نفع جامعه در تولید، توزیع و مصرف اطلاعات است و باید حداکثر استفاده از آن به عمل آید. اطلاعات فراورده‌ای مصرف شدنی و تمامی‌پذیر نیست، یعنی از طریق به کارگیری یا توزیع گسترده به اتمام نمی‌رسد. همگان، هم‌زمان می‌توانند صاحب آن باشند.

دولت مسؤل توسعه ملی، بالا بردن استانداردهای زندگی و ریشه کن کردن فقر است. نیل به این اهداف مستلزم داشتن تواناییها و ظرفیت لازم برای استفاده از علوم، تکنولوژی و خدمات اطلاع‌رسانی است. در غیر این صورت هدفهای توسعه پایدار رؤیایی بیش نخواهد بود.

منابع:

- بهشتی، ملوک السادات، «جامعه اطلاعاتی و توسعه»، *اطلاع‌رسانی*، دوره ۱۲، شماره ۳، بهار ۱۳۷۶، ص ۱۰-۳.
- حری، عباس، «اطلاعات و توسعه»، در: *مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی*، تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱۳۷۲.
- دوهاروویتز، روزاریو گاسول، «تأثیر کتابداری بر سواد و توسعه در جهان سوم»، ترجمه نسرين آخوندی اصل، *اطلاع‌رسانی*، دوره ۱۲، شماره ۳، بهار ۱۳۷۶، ص ۵۸-۴۹.
- شاه شجاعی، علی، «نقش ارتباطات و اطلاعات در توسعه روستایی»، *فصلنامه کتاب*، دوره دهم، شماره سوم، ۱۳۷۸، ص ۱۶-۳۳.
- قانع بصیری، محسن، *از اطلاعات تا آگاهی: نظریه تعادلات سه جزئی*، تهران: شرکت ساختمانی نو ساختمان، ۱۳۷۳.
- مؤمنی، هوشنگ، *سیستمهای اطلاعاتی مدیریت*، قم: اتحاد، ۱۳۷۲.
- مهدوی، محمدنقی، *مدیریت اطلاعات*، تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی ایران، ۱۳۶۸.
- Kumar, R.P; Srivastava, Divya (ed.), *Role of libraries in national development*. Dehli: Indian Library Association, 1996.